

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه القسم والنذر
از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی



مؤلف: مُحَقِّقُ الْحِلِّي (أبو القاسم نجم الدين جعفر بن حسن رحمته الله)
مترجم: مهدی رحیمی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: رحیمی، مهدی، ۱۳۶۴ -
عنوان قراردادی	: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام . فارسی - عربی . برگزیده . شرح
عنوان و نام پدیدآور	: فقه‌القسام والنذر از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی / مولف محقق الحلی (ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن رحمه‌الله)؛ مترجم [و شارح] مهدی رحیمی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۶۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۸۲-۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر شرح بخشی از کتاب «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام» تالیف محقق حلی است.
موضوع	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام -- نقد و تفسیر
موضوع	: فقه جعفری -- قرن ۷ ق.
موضوع	: Islamic law, Ja'fari -- 13th century*
موضوع	: سوگند (فقه)
موضوع	: Oaths (Islamic law)
موضوع	: نذر (فقه)
موضوع	: Votive offerings (Islamic law)*
شناسه افزوده	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. برگزیده. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۴۰۴۲۳۴۵۴ ش ۳/م ۱۸۲/ب پ
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۱۶۰۷۴

نام کتاب	: فقه‌القسام والنذر از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی
ناشر	: چتر دانش
مترجم	: مهدی رحیمی
نوبت و سال چاپ	: دوم - ۱۳۹۸
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۸۲-۰۰
قیمت	: ۳۰۰۰۰

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرترفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

۵.....	مقدمه
۶.....	کتاب قسم‌ها
۶.....	آنچه قسم با آن منعقد می‌شود
۱۲.....	سوگنده‌خورنده
۱۴.....	متعلق قسم
۱۶.....	سوگندهای مربوط به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها
۲۲.....	آنچه مربوط به اتاق و خانه است
۲۹.....	مسائل مربوط به عقدها
۳۲.....	احکام قسم
۳۸.....	ملحقات قسم
۴۲.....	کتاب نذر
۴۲.....	نذرکننده
۴۴.....	صیغهی نذر و متعلقات آن
۴۵.....	متعلق نذر
۴۸.....	نذر روزه و نماز
۵۳.....	نذر آزاد کردن عبد و صدقه و قربانی
۵۷.....	احکام نذر

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خير خلقه و أشرف برئته محمد المصطفى و آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين

این کتاب ترجمه و شرحی در تبیین کتاب شرائع الاسلام تألیف جعفر بن حسن محقق حلی است. مرحوم محقق حلی از مشهورترین فقهای عصر خویش است و دارای عظمت و اعتبار خاص در میان مجتهدان می‌باشد، به حدی که وقتی کلمه «محقق» را بدون قرینه و نشانه‌ای در میان فقها ذکر کنند، شخصیت تحقیقی و علمی ایشان مورد نظر است.

محقق حلی فقه و اصول را در نزد پدرش حسن بن یحیی آموخت و از محضر فقهای مشهور حله، مانند ابن نما و سید فخار موسوی - شاگرد ابن ادریس حلی - بهره برد. محقق با یک واسطه شاگرد ابن زهره و ابن ادریس حلی است و استاد علامه حلی بوده است.

مرحوم محقق در زمینه‌های منطق، کلام و ریاضیات و هیئت تبحر داشته است و خواجه نصیرالدین طوسی متکلم و ریاضی‌دان مشهور، با او در حله ملاقات کرده است و در جلسه درسش حضور یافته است. کتابهای محقق همچون معارج الاصول، تلخیص الفهرست، شرح نکت النهایه و معارج الاحکام و... مخصوصاً کتاب شرایع الاسلام همیشه مورد توجه طلاب است چرا که این کتاب مشتمل بر فتوای مشهور فقهای قدیم می‌باشد. و فقهای بسیاری این کتاب را شرح کرده و یا حاشیه بر آن نوشته‌اند.

محقق حلی در سال ۶۷۶ ه.ق در سن ۷۴ سالگی بدرود حیات گفت و بدن مطهر ایشان را در جوار بارگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپردند. (و بنا به نقل علامه سید حسن صدر صاحب کتاب تأسیس الشیعه در حله به خاک سپردند).

کتاب حاضر متن و ترجمه بخش‌های قسم‌ها و نذر از کتاب شرایع الاسلام است که به صورت مستقل از دیگر بخش‌های این کتاب منتشر می‌گردد.

ما در این کتاب سعی کرده‌ایم که با شرح و آوردن مثالهای آسان، کلمات آن بزرگوار را تبیین نماییم تا موجب تسهیل طلاب و دانشجویان که قصد خواندن این کتاب ارزشمند را دارند، شود و خداوند را شاکرم که توفیق این امر را برای حقیر فراهم نمود.

در پایان از همه کسانی که بنده را در چاپ و نشر این مجموعه یاری رساندند کمال تشکر را دارم.

مهدي رحيمي

اردیبهشت ۱۳۹۶

کتابُ الأیمان

وَ النَّظْرُ فِي أُمُورٍ أَرْبَعَةٌ

الأول: مَا بِهِ تَنَعَّدُ الْيَمِينُ

- ۱ لَا تَتَنَعَّدُ الْيَمِينُ إِلَّا: بِاللَّهِ أَوْ بِأَسْمَائِهِ الَّتِي لَا يُشْرِكُ فِيهَا غَيْرُهُ، أَوْ مَعَ إِمْكَانِ الْمَشَارِكَةِ يَنْصَرِفُ إِطْلَاقُهَا إِلَيْهِ.
- ۲ فَأَلَّوْلُ: كَقَوْلِنَا: وَ مُقَلَّبِ الْقُلُوبِ، وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ.
- ۳ وَ الثَّانِي: كَقَوْلِنَا: وَ اللَّهُ، وَ الرَّحْمَنِ، وَ الْأَوَّلِ الَّذِي لَيْسَ قَبْلَهُ شَيْءٌ.

کتاب قسم ها

بحث در چهار امر است: چیزی که قسم با آن منعقد می شود و کسی که قسم می خورد، و متعلق قسم و محلقات

اول چیزی که به آن قسم محقق می گردد:

- ۱ قَسَمَ فقط با نام الله و یا با اسماء او که کس دیگری در آن اسماء با او شریک نیست و یا با اسمائی که امکان مشارکت در آن وجود دارد اما اگر به صورت مطلق ذکر شود انصراف به خداوند پیدا می کند، منعقد می شود.
- ۲ اول (که ذات الله از آن فهمیده می شود) مثل این که بگوییم: قسم به مقلب القلوب، قسم به کسی که جانم در دست اوست، قسم به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید.
- ۳ دوم (که کس دیگری در آن اسماء با خدا شریک نیست) مثل: قسم به الله و قسم به رحمن و قسم به اولی که قبل از او هیچ چیز نیست.

۴ وَالثَّالِثُ: كَقَوْلِنَا: وَ الرَّبِّ وَ الْخَالِقِ وَ الْبَارِيَّ وَ الرَّازِقِ. وَ كُلُّ ذَلِكَ تَنْعَقِدُ بِهِ الْيَمِينُ مَعَ الْقَصْدِ.

وَ لَا تَنْعَقِدُ بِمَا لَا يَنْصَرِفُ إِطْلَاقُهُ إِلَيْهِ، كَالْمَوْجُودِ وَ الْحَيِّ وَ السَّمِيعِ وَ الْبَصِيرِ، وَ لَوْ نُويَ بِهَا الْحَلْفَ، لِأَنَّهَا مَشْتَرِكَةٌ، فَلَمْ يَكُنْ لَهَا حُرْمَةٌ الْقَسَمِ.

۵ وَ لَوْ قَالَ: وَ قُدْرَةَ اللَّهِ، وَ عِلْمَ اللَّهِ، فَإِنَّ قَصْدَ الْمَعَانِي الْمَوْجِبَةَ لِلْحَالِ لَمْ تَنْعَقِدِ الْيَمِينُ، وَ إِنْ قَصَدَ كَوْنَهُ قَادِرًا عَالِمًا يَجْرِي الْقَسَمُ بِاللَّهِ الْقَادِرِ الْعَالِمِ.

وَ كَذَا تَنْعَقِدُ بِقَوْلِهِ: وَ جَلَالَ اللَّهِ، وَ عَظَمَةَ اللَّهِ، وَ كِبْرِيَاءَ اللَّهِ، وَ فِي الْكُلِّ تَرَدُّدٌ.



۴ و سوم (که قابل اشتراک با دیگران است اما انصراف به خداوند دارد)، مثل: قَسَمَ به رب، قَسَمَ به خالق، قَسَمَ به ایجادکننده، قَسَمَ به رازق. قسم با همه‌ی این اسماء منعقد می‌گردد، اگر گوینده قصد داشته باشد.

اما قسم، با اسمائی که اطلاق آن اسامی، انصراف به خداوند پیدا نمی‌کند، مثل قسم به موجود، قسم به زنده، قسم به شنوا، قسم به بینا، منعقد نمی‌شود هر چند با ذکر آنها نیت سوگند خوردن داشته باشد چرا که این اسامی مشترک (بین خالق و مخلوق) هستند، و آن احترامی که در اسامی قَسَمَ هست در آنها نیست.

۵ و اگر بگوید: «قسم به قدرت خدا، قسم به علم خدا»، اگر قصد معناهایی را بکند که سبب اثبات صفاتی زائد بر ذات‌الله شود، قسم منعقد نمی‌شود (چون در این صورت قسم به چیزی غیر از الله است) و اگر قصد این معنا را بکند که خداوند قادر و عالم است، مثل این می‌ماند که بگوید قسم به خداوند عالم و قادر (و قَسَمَ منعقد می‌گردد و حرمت هم دارد).

همچنین قسم منعقد می‌شود به این که کسی بگوید: قسم به جلال الله، قسم به عظمت الله و قسم به کبریاء‌الله، اما در همه این‌ها (از قسم به قدرت الله تا آخر) جای تردید وجود دارد.

۶ وَ لَوْ قَالَ: أَقْسِمُ بِاللَّهِ أَوْ أَخْلِفُ بِاللَّهِ، كَانَ يَمِينًا. وَ كَذَا لَوْ قَالَ: أَقْسَمْتُ بِاللَّهِ، أَوْ حَلَفْتُ بِاللَّهِ.

وَ لَوْ قَالَ: أَرَدْتُ الْإِحْبَارَ عَنِ يَمِينٍ مَاضِيَةٍ، قُبِلَ. لِأَنَّهُ إِحْبَارٌ عَنِ نِيَّتِهِ.

۷ وَ لَوْ لَمْ يَنْطِقْ بِلَفْظِ الْجَلَالَةِ لَمْ تَنْعَقِدْ. وَ كَذَا لَوْ قَالَ أَشْهَدُ. إِلَّا أَنْ يَقُولَ: أَشْهَدُ بِاللَّهِ. وَ فِيهِ لِلشَّيْخِ قَوْلَانِ. وَ لَا كَذَلِكَ لَوْ قَالَ: أَعَزَّمُ بِاللَّهِ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْفَاطِ الْقَسَمِ. وَ لَوْ قَالَ لِعَمْرٍو اللَّهُ كَانَ قَسَمًا، وَ انْعَقَدَتْ بِهِ الْيَمِينُ.



۶ و اگر گفت: قسم به الله می خورم یا سوگند به الله خواهم خورد، قسم به حساب می آید. و همچنین اگر گفت: به خداوند قسم خوردم یا سوگند خوردم (با صیغه ی ماضی یا مستقبل بیاورد) قسم منعقد می شود و اگر گوینده بگوید: من می خواستم از قسمی که در گذشته خورده ام خبر دهم از او پذیرفته می شود؛ چرا که این گفتار در واقع خبر دادن از نیتش است. ۷ و اگر لفظ جلاله را تلفظ نکند قسم منعقد نمی گردد. همچنین اگر گفت: «گواهی می دهم»، قسم منعقد نمی شود. مگر این که بگوید: «أشهد بالله» که در این مورد شیخ طوسی رحمته الله دو نظر دارد. (یک نظر انعقاد قسم و یک نظر عدم انعقاد قسم است) و اگر این طور بگوید قسم منعقد نمی شود: «أعزم بالله» (به اسم الله تصمیم گرفتم) چرا که آن از الفاظ قسم نیست و اگر گفت: «لعمروالله» قسم به حساب می آید و یمن (سوگند) با آن منعقد می گردد.

۸ وَ لَا تَنْعَقِدُ الْيَمِينَ بِالطَّلَاقِ، وَ لَا بِالْعَتَاقِ، وَ لَا بِالتَّحْرِيمِ، وَ لَا بِالظَّهَارِ، وَ لَا بِالْحَرَمِ، وَ لَا بِالْكَعْبَةِ وَ الْمُصْحَفِ وَ الْقُرْآنِ، وَ لَا الْأَبْوِينَ وَ لَا بِالنَّبِيِّ وَ الْأَيْمَةِ . وَ كَذَا وَ حَقَّ لِلَّهِ، فَإِنَّهُ حَلَفَ بِحَقِّهِ لَا بِهِ، وَ قِيلَ: تَنْعَقِدُ، وَ هُوَ بَعِيدٌ.

۹ وَ لَا تَنْعَقِدُ الْيَمِينَ إِلَّا بِالنَّبِيِّ . وَ لَوْ حَلَفَ مِنْ غَيْرِ نِيَّةٍ، لَمْ تَنْعَقِدْ، سَوَاءً كَانَ بِصَرِيحٍ أَوْ كِنَايَةٍ وَ هِيَ يَمِينُ اللَّغْوِ.



۸ و یمین (سوگند) با طلاق و آزاد کردن منعقد نمی‌شود (مثلاً بگوید قسم به طلاق همسر، قسم به آزاد شدن عبدم) و با تحریم وظهار هم منعقد نمی‌شود. (مثلاً بگوید: حرام باشد بر من فلان چیز اگر فلان کار را انجام دهم. و یا همسر راظهار کردم اگر فلان کار را انجام دهم) و اگر به حرم و کعبه و مصحف قرآن و پدر و مادر و پیامبر ﷺ و ائمه‌ی اطهار ﷺ قسم بخورد، قسم منعقد نمی‌شود. و اگر به حق الله قسم بخورد (حقى که خدا بر بندگانش دارد) قسم منعقد نمی‌شود، چون آن، قسم به حق خداست نه خود خدا، و گفته شده: که یمین (سوگند) با این لفظ منعقد می‌شود، اما بعید است.

۹ و قسم (یمین) جز با نیت قسم منعقد نمی‌شود و اگر کسی بدون نیت سوگند بخورد (مثلاً از روی سهو یا برای تمثیل یا برای تعلیم قسم بخورد) سوگند منعقد نمی‌شود؛ فرقی هم نمی‌کند که به صراحت قسم یاد کرده باشد (مثل قسم به الله) یا به کنایه (مثل قسم به سمیع و بصیر) قسم خورده باشد و این‌ها از جمله قسم‌های لغو هستند (که در آیه ۲۲۶ سوره بقره به آن اشاره شده: لا يُواخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ ...)

۱۰ وَ اِسْتِثْنَاءُ بِالْمَشِيئَةِ يُوقِفُ الْيَمِينَ عَنِ الْاِنْعِقَادِ، إِذَا اتَّصَلَ بِالْيَمِينِ أَوْ اِنْفَصَلَ، بِمَا جَرَتْ الْعَادَةُ أَنَّ الْحَالِفَ لَمْ يَسْتَوْفِ عَرَضَهُ.

۱۱ وَ لَوْ تَرَاحَى عَنْ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ عُدْرِ حُكْمٍ بِالْيَمِينِ، وَ لُغِي إِلَّا اِسْتِثْنَاءً، وَ فِيهِ رَوَايَةٌ مَهْجُورَةٌ.

۱۲ وَ يُسْتَرْطُ فِي اِسْتِثْنَاءِ النُّطْقِ، وَ لَا تَكْفِي النَّيَّةُ. وَ لَوْ قَالَ: لَا اَدْخُلُ الدَّارَ إِنْ شَاءَ زَيْدٌ، فَقَدْ عَلِقَ الْيَمِينَ عَلَيَّ مَشِيئَتِهِ، فَإِنْ قَالَ شِئْتُ، اِنْعَقَدْتُ الْيَمِينَ. وَ إِنْ قَالَ: لَمْ أَشَأْ، لَمْ تَتَّعِدْ.



۱۰ اینکه بعد از قسم خوردن ان شاء الله بگوید مانع انعقاد قسم خواهد بود، البته در صورتی که به قسم متصل باشد و یا به قدری جدا و منفصل باشد که معمولاً کسی که قسم می خورد غرضش را کامل ادا نمی کند، (مثلاً به اندازه‌ی یک سرفه کردن یا نفس کشیدن یا مانند آن فاصله شود).

۱۱ اما اگر بدون هیچ عذری بین آن‌ها جدایی بیندازد (مثلاً بگوید: قسم به الله که داخل این خانه نمی شوم و سپس مشغول غذا خوردن یا صحبت کردن شود و بعد از نیم ساعت بگوید: ان شاء الله) قسم منعقد می شود و استثنا (ان شاء الله گفتن) لغو خواهد بود. و البته در این مورد روایتی وجود دارد که هیچ یک از فقها به آن عمل نکرده‌اند، (و آن روایت امام صادق علیه السلام است که فرمود: عبد اگر فراموش کند، این حق را دارد که بین قسم و ان شاء الله گفتن، چهل روز فاصله بیندازد «للعبد ان یستثنی ما بینه و بین اربعین یوماً اذا نسی»).

۱۲ و در استثنا کردن مشیت خدا شرط است که حتماً «ان شاء الله» را تلفظ کند و اگر فقط نیت آن را بکند کفایت نمی کند. و اگر گفت: داخل این خانه نمی شوم اگر زید بخواهد، سوگند خود را معلق به خواست زید کرده است. پس اگر زید گفت: «می خواهم»، قسم منعقد می شود. و اگر گفت: «نمی خواهم»، قسم منعقد نمی شود.